



ا کتو بر و بازسازی: انقلاب ادا مه دارد

(بقیه می ۲)

متن بیانیة رفیق م. س. گرباجف

این است که لنین چگونگی
انگشت خود را روی نبض
انقلاب نگاه میداشت و چگونگی
او بر احیای مجدد شوراهای
زیر کانه تصمیم گرفت، «شورا
هائیکه اساس و پایه اجتماعی
خود را در پروسه مبارزه کسب
می نمودند. همین پایه اجتماعی
آنها را قادر ساخت که به
ا رگان قیام مسلحانه
پیروزند و بعد به شکل
سیاسی قدرت کارگران و
دهقانان مبدل کردند.

همه این ها نه فقط صفحات
تاریخ در خشان انقلاب کبیر
اند بلکه همواره به مناسبت
رهنمود ها و سر مشق های
اند برای ما، برای همه
آنانی که امروز زنده اند و برای
کمی نیست ها تا همیشه در
پیشا پیش رویداد ها قرار
داشته باشند و بتوانند تصامیم
بر جسته اتخاذ و مسوولیت
تام امروز و فردا را به عهده
گیرند.

انقلاب اکتو بر قیام عظیمی
بود متعلق به میوه ها انسان
زحمتکش، این انقلاب منافع
حیاتی طبقه کارگر، آمال
جایا و دقانان و عظمی
عساکر به صلح و سر
انجام مبارزات گسترده خلق
های کثیر المله روسیه را به
خاطر آزادی و غنای فرهنگی
شان در هم آمیخت.

حزب بلشویک توانست تا
تکات اساسی و ریشه های
ظرفی را که آرمان ها، گرایش ها
و علائق متنوع مردم را به هم
پیوند می زد دریا بد و آنها را
در خدمت حل به مسئله اساسی
انقلاب یعنی گرفتن قدرت
بکار برد.

در نخستین فرمان خود
یعنی فرمان صلح و زمین،
دیکتا توری پرو لتاریا به
نیاز زمان پاسخ گفت و متاع
حیاتی طبقه کارگر و ذرو واقعت
ا هر منافع اکثریت مطلق مردم
را همگی ساخت.

امروز برای ما مهم است تا
یک نکته بسیار بارز را که
درس اساسی روز های اکتوبر
است به خاطر داشته باشیم
و آن این است که لنین به
سوال زنده گی و فعالیت
انقلابی در آن ایام چگونگی
پاسخ می گفت، تجارب که با
دوران ما ارتباط قوی دارد یعنی
پاسخ به رابطه میان «مردم»
و «تئوریک» به «موسوسالیزم»
و «پراکتیک» واقعی اعمار سوسیال

کسور خود ایجاد نکنیم یعنی
بدون انگشت زنده داران و
سرمایه داران روسیه... و بعد
به سوی سوسیالیسم گام
گذاریم؟
آنانیکه از مار کسینز بشکل
دکم و یک بدیده مجرد کاری
گیرند در واقع نمی توانند
ما هیت اساسی آنها را در لکنند
و آن عبارت از دیا لکتیک
انقلابی مار کسینز است.
و این دیا لکتیک انقلاب بسی
مار کسینز بود که بر مجموع
فعالیت های لنین در سال
های پس از انقلاب بر تو می
افکنند.

از برکت همین شیوه برخورد
بود که دست آورد ستر گیت
سیاسی و معنوی صلح
(بر ست) در دست در مرز
بین د و حالت ممکن
و غیر ممکن کبابی گردید و حیات
مردان انسان از هر گنج
یافت و دیا لکتیک مادر وطن
سوسیالیستی تا میمن
گردید.

یک مثال دیگر لنین بمانند
مار کس و انگلس مطمئن بود
که نیروی مداخله انقلاب
را باید ملیشه های مردمی
تشکیل دهد و ولی شرایط
مشخص راه حل دیگری را
ایجاب می کرد. جنگ داخلی
و مداخله خارجی که بر مردم
تحمل گردید بر خورد نوی را
ایجاب می نمود.

مطابق فرمان لنین یک
اردوی سرخ کارگری - دهقانی
ایجاد گردید.
این یک اردوی طراز نوین
بود که به دفع و طرد جنگ
داخلی و مداخله خارجی
برداشت و حماسه های جاودان
آفرید.

آن سال ها ملو از آن مون
های دشواری برای جمهوری
جوان شوروی بود و در عین
به این سوال اساسی و
حیاتی که آیا سوسیال
لیزم می تواند باشد یا نه
پاسخ گفته می شد. حزب
مردم با به خاطر دفاع از مادر
وطن سوسیالیستی و دست
آورد های انقلاب اکتو بر
بسیج نمود. اردوی سرخ
با شکم گرسنه، پای برهنه
و لباس های ژولیده و تجهیزات
ناچیز توانست یک اردوی
مجهز و منظم ضد انقلاب را
در هم شکنند که پیوسته از
طرف امپریالیزم شرق و غرب
و سیما تجهیز می گردید.

در سر داغ جنگ داخلی
در سراسر کشور از میان
هر فامیل و شیوه زندگی که
خلاصه از روان و سر لو کشت
مردم می گشت، سر انجام
درین نبرد پر گار باراده ملت
تلاش ملیون ها انسان یسوی
زنده گی نوین پیروز گردید.
کشور با تمام نیرو و شید
تا اردوی نو تشکیل را هر چه
بهر کم نماید و شمار لنین
تحقق بخشید.

ما هر گز نمی توانیم یاد آن
راد مردن و قبر ما نشان
افسانوی در قوای بحری و
زمینی، قوما ندان جزو نا ن
سرخ را از خاطر دور کنیم
آنها انقلاب را نجات دادند
خاطر شان شاد باد!

تصمیم دایم به پیاده کردن
یک سیاست اقتصادی جدید
که اندیشه های سوسیالیسم
و شیوه های اعمار آنرا وسیع
غنا بخشید، آمیخته با
دیا لکتیک انقلابی قوی و
نیرو مند بود. با اینکه مورد
ذیل را در نظر گیرید:

طسوز یک
شیما می دانید لنین نظر
محدودیت های سوسیالیسم
کو برانگیختی را انتقاد نمود.
ولی شرایط خاصی پس از
انقلاب اکتو بر و گرفتن قدرت
توسط مردم بروز کرد و لنین

نظر خود را درین رابطه تغییر
داد. در مقاله خود «درباره
همکاری» وی این نظر را
طرح کرد که سوسیالیسم
چا همه «همکاران متعهد»
است.

چنین بود درستی دیا لکتیک
مارکسیستی که بیا نگرماهیت
انقلابی دانش لنینی می باشد.
وی می گفت «در اعمار دنیای
نو نا گزیر هستیم بار ها آنرا
تکرار کنیم، بهتر سازیم و از
سر گیریم».

ما نا گزیر بودیم تا
کار ها را بهتر سازیم، از نو
بار دیگر مبارزه دشوار و طولانی
را تحمل کنیم و پروسه های
بسیار حیاتی انقلابی را سپری
کنیم. و این پروسه و عمل -
کرد ها از بسیاری جهات
شرایط و حالات پیش رفت
ما را تغییر داده است.

این دگر گونی ها ما را نیز
تغییر داده است، ما را آبدیده
ساخته و پا داشتن و تجرب و نو
غنا بخشیده است و ما را به
پیروزی انقلاب هر چه بیشتر
متعهد ساخته است.

بررسی می را که در
روشنی تاریخ جهان طسوز
کرده ایم بار ها می رسد
که آنچه را که دیگران در
در ازانی قرون متصادی کسب
کردند، ما توانسته ایم در یک
انقلاب سوسیالیستی در
کشوری رخ داد که سرمایه
داری در سطح متوسط رشد
خود رسیده بود صنعت خیلی
متحرک داشت، اکثریت
نفس کشور را دهقانان تشکیل
می داد و همچنان بقایای
ریشه دار فیودالیسم و حتی
نظام های اجتماعی ما قبل
فیودالیسم نیز وجود داشت.

اما زنده گی نو نمون
قبل از داشت تا از آن اقتباس
شود که این امر ایجاب می کرد
تا سوسیالیسم را در واقع
نایدی دریا فراموشی حل
سازنده جستجو شود.

در فدرالی حزب کمونیست
روشن بود: انقلاب، راه سوسیالیسم
و قدرت شوراهای
و لنین حزب را درین راه
و هیری می کرد.
از میان ساختار مطلق جامعه
روسیه، در اثر ابتکارات
سازنده تودما، پرنسپها و
نورهای سیستم سوسیالیستی
آینده و اشکال بی نظیر تنظیم
جامعه، تگوسن یا فیت. در
ابتداء فقط تیوری خالص در
مورد شکل حکومت دمو -
کراتیک، طرق و حدود ملی
ساختن و اداری و ملکیت ها،
تنظیم تولید و سوسیالیسم
لیستی، به وجود آوردن یک
دستپلین جدید رفیقانه
و تعیین رول و جای یک فرد
در اجتماع بصورت واقع -
بینانه تثبیت شد.

مقدمه اساسی انقلاب کبیر
اکتوبر اعمار زندگی نوین بود.
چنین اعماری حتی یک روز هم
متوقف نگردیده و لخته های
کوتاه نیز در این پروسه و در
جهت پیش نمودن راه های
به جا آمده سوسیالیسم لیستی
منتهی گردد، مورد انتقاد قرار
گرفت.

سال های اول دهه بیست
با نوآوری و خلاقیت بی نظیر
توده ها مشخص میگردد.
آن ها بهتر از و انقلابی ترین
لایراتوار نو آوری های
اجتماعی، متحد سازی واحد
های کارگری و دهقانی و
بصورت کل متحد سازی همه

کارگران و علاقه شان به
آلبات رسید.

حزب از روش تنظیم تولید
و مصرف به شیوه کمونیسم
جنگی، جنگ و بیجا شدن آنها
بوجود آورده بود. به شیوه
های انعطاف پذیر، از نظریه
اقتصادی عادلانه و بحیث وسیله
معمول جهت تأثیر بالای حقایق
اجتماعی، گذار نمودند.

اقداماتیکه در پالیسی
جدید اقتصادی در نظر گرفته
شده بودند به اساس بنیان -
گذاری طرز و شیوه سوسیالیسم
سیالیستی عیار شده بودند،
امروز ما به کار های اخیر
لنین در ساحت اقتصاد بیشتر
مرا وجه مورد ضرورت امروز را
از آن بیرون می آوریم.

واقعاً جای اشتباه خواهد
بود اگر ما بگوئیم شیوه
اقتصادی جدید را با آنچه که
امروز در یک سطح مختلف
بیشتر نت قرار داریم و عملی
میکنیم مقایسه نماییم.

امروز در مملکت دهقان
مفرد وجود ندارد تا با در
نظر داشت خواست و
شرایط کار وی خود را عیار
نمایم در حالیکه این موضوع
در سالهای اول ۱۹۲۰ از
ارزش خاصی برخوردار بود.
پالیسی جدید اقتصادی با
در نظر داشت آینده های
دور تنظیم گردیده بود، هدف
اساسی عبارت بود از ساختن
جامعه نوین نه به اساس
خوش بینی، طوری که لنین
نوشته بود، بلکه به کمک
خوش بینی که ذریعه انقلاب
تجر به جاده آمده بود و به اساس
علاق شخصی و به اساس
تسویق های فردی بشکل
تجارتی استوار بوده و هیچ
است درسی که ما از طریق
تجر به جاده های نوین ساله و
بیشرفت های سوسیالیسم

سوسیالیستی آموخته ایم.
با در نظر داشت خلافت
پالیسی جدید اقتصادی
می توان باز هم یکبار دیگر به
غنا سوسیالیسم و میتو دیکی
محصول کردن مواد غذایی
مرا چه نماییم. حقیقتاً ما
علاقه مند شکلی که در
گذشته ما از آن استفاده
میشد و اینکه هدف تشکیل
و تحکیم ارتباط میان کارگر
و دهقان را در برداشت
نیستیم بلکه تأثیرات با لای
مالیه بر مواد غذایی با لای
رهایی قدرت خلقیده توده ها،
بالا بردن قدرت توده ها،
نو آوری افراد و از بین بردن
سیستم پوروکراتیک که
باعث خلل در تطبیق اسات
سات سوسیالیستی که
متکی بر پرنسپها و هیرکس
اندازه توانش و بهر هر چه قدر
نیازش می باشد، هستیم.

ساختن سوسیالیسم
به اساس رهنمایی های لنین
آغاز گردیده بود با عث وجود
آمدن چندین نتیجه اساسی
وجدید گردید. سیستم سوسیالیسم
شده اقتصادی برای اولین
مر تبه در روی زمین پیاده
گردید. پلان برقی ساختن
اتحاد شوروی واقعاً یک نو
آوری بود که یک صفحه جدید
را در سیستم تفکر و عمل
کرد جهان کشور. این پلان
فقط یک پلان تعمیلی نبود بلکه
طوری که لنین آن را پیش بینی
کرده بود که پروژه انکشافی
همانک در رشته های زراعت
صنعت و ترانسپورت بود و
به عیار دیگر یک پروگرام
وسیع زعمه جانی را برای
جا بجا کردن و اعمار نیرو
های تولیدی مملکت تشکیل
میداد.

لنین آن را پلان دوم حزب
خواند. پلانی که در جهت
احیای کشور و پلان
بردن آن به سطح مطای به
خواست و ایجابات انکشاف
روز عیار گردیده بود.

دوره پس از گذشت
لنین که در برگیرنده دهه های
بیستم و سیوم میشود در تاریخ
اتحاد شوروی جایگاه ویژه
دارد. در مدت نزدیکه پانزده
سال دگر گونی های اجتماعی
ژرفی به وقوع پیوست. در طی
این مدت کوتاه کار های زیادی
به انجام رسیده است. هم از
رهگذر جستجو برای دریافت
راه های گوناگون ساختن
سوسیالیسمی هم از نقطه
نظر آنچه که واقعاً در پی ریزی
بنیاد جامعه نوین به دست
آمده بود.

کلتور جدیدی رو به تشکیل
بود که در آن تجارب گذشته
توده ها متنوع و استعداد
های خود او که آن ها را انقلاب
به جلو کشا ندیده و بخد مت
مردم قرار داده بود رول های
را بازی میکردند.
چیزی که برای ما قابل
قدیر و یاد آوری است نه تنها
نتیجه مسئله است بلکه
تجر به و طریقه که لنین از
آن برای ایجاد و اعمار شوروی
چندین ملتی استفاده کرد
قابل قدر و ستایش است.
در مورد اینکه چه زمانی روسیه
در مورد اینکه چه زمانی روسیه
نیپ(سیاست جدید اقتصادی) به
روسیه سوسیالیستی مبدل
گردد، لنین نمیتوانست وهم
قصد ترسیم تصویر همه جانبه
جامعه آینده را با تمام ویژگی
های آن داشته باشد، بلکه لنین
داشت که کشورش از طریق
اعمار صنعت ما شینی، از
طریق وجود آوردن کورپ -
تیفها، از طریق تسو لیت توده
های کارگری بحیث افراد و نیرو
در پیشبرد ما شین دولتی
از طریق تنظیم ما شین دولتی
بر پایه بهتر و کمی بهتر
و مؤثر تر در جهت انکشاف
کلتور و مردم، از طریق
تحکیم وحدت میان ملیت های
آزاد و مستقل بدون دروغ و
سر نیزه این و فقط این تنها
چهره مملکت را در حالیکه
شکل یک جامعه و نظم جدید
را بخود میگردفت واضح می
سازد.

کار های اخیر لنین که از
نگاه اساسی و علمی
فوق العاده غنی است، نمای
سیستم جدید و اصل -
ختمان جامعه سوسیالیستی
در مملکت ما هویدا است که
این خود برای حزب ما یک
خزینة بزرگ تیوریکسی را
تشکیل میدهد. مرکز قبل از
وقت و ما بهنگام لنین برای
حزب و کلیه مردم شوروی
یک تکان و شر به بزرگوار
این ضایعه یک ضایعه جهان
نا پذیر و یک غم بی حد
حدود بود که برای همه
آشکار است.

وظایف بزرگ و بی تاریخی
در قبال ما قرار داشتند اما
چای لنین خالی ماند، در
هجو حالت به انکار رهنمایی
و دکترین لنین، رهبری حزب
مکلف بود راه های معقول و
اساسی را برای پیدا کردن
راه سوسیالیسم و
استحکام دست آورد جهانی
انقلاب با در نظر داشت
شرایط بخصوی آن زمان
در یافت و تعقیب نماییم
تاریخ در برابر نظام نوین
دو راه بیشتر گذاشته بود. یا
بایستی در کوتاهترین مدت
زمانی ممکن تهاجم اجتماعی -
اقتصادی و تکنیکی خود را
ریزی میکرد و زنده می ماند
چنانچه نخستین نمونه جامعه
عادلانه را نشان میداد یا اینکه
از بین میرفت و در پرتو صورت
خود به مثابه یک آزمایش اجتماعی
قبر مانده و نا کام در خاطره
زمانه باقی می ماند.

مساله تأمین دگر گونی
سوسیالیسمی سریع و پر -
شتاب به تمام معنای کلمه اهمیت
زنده گی بخش و قاطع بخود
گرفته بود.

آن سالها از نگاه توان بشری
سالیهای کارسرسختانه و مبارزه
قاطع و چندین جانبه بود.
صنعتی کردن، دسته جمعی
کردن، انقلاب فرهنگی، تحکیم
دولت کثیر المله، استحکام
موقف بین المللی اتحاد شور -
روی، انیکال و شیوه های تازه
مدیریت اقتصادی و مسایل
اجتماعی، این ها همه در طی
این دوره اتفاق افتادند. همه این
های آمد های دراز مدتی
داشته اند.

طی چندین دهه ما بار بار به
آن زمان، زما نیکه جا همه
سوسیالیستی در آغاز اعمار
خود قرار داشت بازگشتیم.
در مقیاس تاریخی
این یک کار و دشوار و پر
اهمیت تاریخی بود. این کار -
سزاور ستایش است. و از -
پایه دستاوردهای واقعی ما
همانند خود این دستاوردها
کار نامه های برجسته جاودان
و زنده خواهند ماند.

و اگر زمانی ما به تاریخ مان
به دیده نقادانه می نگریم این
از آن جهت لازم است تا تصور
روشنتر و کاملتری از شیوه
های کار در آینده بدست آوریم.
مهم اینست که گذشته ها را با
احساس مسوولیت تاریخی
و بر بنیاد حقایق تاریخی بررسی
کنیم. این کار باید انجام شود.
نخست به خاطر اهمیت فراوان
آن سالها در سرنوشت کشور
ما و در سرنوشت سوسیالیسم
دیگر اینکه آن سالها در هر
مباحثات پایان ناپذیر هم در
کشور ما هم در خارج قرار
دا در جای که همراه
با در یافت حقایق
اکثر تلاش هایی به منظور
به اعتبار جلوه دادن سوسیالیسم
به مثابه یک نظم نوین اجتماعی
و جانشین واقع بینانه نظام سر -
مایه داری صورت می گیرد.
در فرجام ما به ارزیابی حقیقی
این دوره و همه دوره های دیگر
تا ریش ما، بسویژه
در حال حاضر که باز سازی
باشتاب فراوان در جریان است

نیاز داریم ما به این -
زیایی نه از آن جهت که به اختلا -
فات سیاسی پایان بخشیم و یا
به گفته آنها غبار و دمه را دور
کنیم ضرورت داریم بلکه به
خاطر اعتبار بخشیدن به همه
قهرمانی های گذشته و به خاطر
آموختن از اشتباهات و محال
سبب نادرست نیاز داریم.
در مورد دهه های بیستم
و سیوم پس از در گذشت لنین
نیز چنین است.

هر چند که حزب و جامعه
یشه لنینی ساختمان سوسیال
لیزم و آثار لنین پس از پیروزی
انقلاب را بحیث رهنمای
با خود داشته با
اینهم دریافت راه کار ساده ای
نیود و بر سر این مساله
مبارزه ایدئولوژیک سخت و
مباحثات سیاسی فراوان در -
گرفت. در مرکز توجه آنها
مسایل اساسی تکامل جامعه
پیش از همه این مساله قرار
داشت که آیا ساختمان سوسیالیسم
در کشور ما ممکن
است یا نه. اندیشه و عمل در
تکاپوی سمت ها و اشکال گذار
اجتماعی اقتصادی دور میزد

و اینکه چگونه این گذار در -
ستای سوسیالیسم در شرایط
مشخص تاریخی اتحاد شوروی
به انجام رسد کار علمی
زنده که لازمه اش احساس
مسوولیت عالی است در دستور
روز قرار داشت. بیش از همه
کشور با مساله صنعتی کردن
و باز سازی اقتصادی که بدون
آن ساختمان سوسیالیسم و بدون
بردن ظرفیت دفاعی کشور
تصور ناپذیر بود روبرو بود.

درین موضوع از رهنمود های
صریح لنین و از میراث تیوریک
او پیروی شد. سوال دگر گونی
شرایط محاصره سر مایه داری

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

تروتسکی و هوا دارا نش
امکان ساختمان سوسیالیسم
شرایط محاصره سر مایه داری

های سوسیالیستی در روستا
ها نیز در همین سطح به پیش
کشیده شد و درین عرصه نیز
از رهنمایی های لنین مسود
برده شد.
بدینگونه مساله در برگیرنده
موضوعات قاطع، دشواری ها و
اهداف گوناگون بود. و هر
چند تکرار میکنم که حزب
رهنمود های لنین درین مسو -
ضوعات را با خود داشت و مبدل
ایس موضوع قابل یاد -
آوری است تا گفته شود که
همه رهبران حزب چه پیش از
انقلاب و چه پس از انقلاب، در
نخستین سال های ساختمان
سوسیالیسم روی شماری از
مسایل عمده با لنین هم عقیده
نبودند. گذشته از آن توصیه
های لنین نمی توانست تمامی
موضوعات مشخص مربوطه به
ساختمان جامعه نوین را حتوا
کنند.

هنگام تجزیه و تحلیل اختلافات
ایدئولوژیک آن دوره این را
باید به خاطر داشته باشیم که
اجرای دگر گونی های عظیم
انقلابی در کشوری مانند روسیه
آن زمان به خودی خود وظیفه
پس دشواری بشمار می رفت.
از نظر تاریخی کشور به پیش
گام بر میداشت، رشد کشور
زندان بود، همه گستره های
زنده گی از ریشه دگر گون
شده میرفت.

منافع و علائق طبقات، گروه
ها و اقشار اجتماعی گوناگون،
نیاز و خواسته های زمان، سنن
تاریخی و فشار وظایف مبرم،
همچنان محاصره خدمت آمیز
سرمایه داری، مبارزه ایدئو -
لوژیک حل ناشدنی، بار و بار
ها و روندهای اقتصادی در
عرصه سیاسی و همه عرصه
های زنده گی مردم درهم آمیخت.
بطور خلاصه خیلی دشوار بود
در همچو شرایط پیچیده و تو -
فانی مسیر درست را از نادرست
تشخیص کرد. ماهیت مبارزه
ایدئولوژیک آن زمان به پیما نه
قابل توجهی را قیامت های فردی
در رهبری حزب پیچیده تر شد
بود. اختلافات گذشته از زمان
حیات لنین هم در شرایط تازه
به شکل خیلی جدی تر چهره
خود را نمایان ساخت. همانگونه
که میدانیم لنین این خطر را
هشدار داده بود. لنین در نامه
اش عنوانی کنکره تأکید کرده
بود که آیا این یک جزء
نیست و یا جزئی
است که اهمیت قاطعی بخود
خواهد گرفت. و آنچه که پیش
آمد تا اندازه زیادی همینطور
بود.

صحت خرده برداری شماری
از رهبران با نفوذ دست بلند
یافت. این صحت ها حالت
فته انگیزانه بخود گرفت. این
حالت سازمان های حزبی را در
برگرفت و آنها را از کار های
حیاتی باز داشت و در کار آنها
دخیل شد.

رهبران صاحب ادعا بر -
خلاف موضع اکثریت در حزب
که فکر میکردند نظرات این
رهبران با اندیشه ها و پلان
های لنین مخالف است و پیشنهاد
های شان خطا کارانه است و
کشور را از مسیر درست باز
کشاند، انشباع را تحریک
کردند.

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

تروتسکی و هوا دارا نش
امکان ساختمان سوسیالیسم
شرایط محاصره سر مایه داری

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

تروتسکی و هوا دارا نش
امکان ساختمان سوسیالیسم
شرایط محاصره سر مایه داری

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

های سوسیالیستی در روستا
ها نیز در همین سطح به پیش
کشیده شد و درین عرصه نیز
از رهنمایی های لنین مسود
برده شد.
بدینگونه مساله در برگیرنده
موضوعات قاطع، دشواری ها و
اهداف گوناگون بود. و هر
چند تکرار میکنم که حزب
رهنمود های لنین درین مسو -
ضوعات را با خود داشت و مبدل
ایس موضوع قابل یاد -
آوری است تا گفته شود که
همه رهبران حزب چه پیش از
انقلاب و چه پس از انقلاب، در
نخستین سال های ساختمان
سوسیالیسم روی شماری از
مسایل عمده با لنین هم عقیده
نبودند. گذشته از آن توصیه
های لنین نمی توانست تمامی
موضوعات مشخص مربوطه به
ساختمان جامعه نوین را حتوا
کنند.

هنگام تجزیه و تحلیل اختلافات
ایدئولوژیک آن دوره این را
باید به خاطر داشته باشیم که
اجرای دگر گونی های عظیم
انقلابی در کشوری مانند روسیه
آن زمان به خودی خود وظیفه
پس دشواری بشمار می رفت.
از نظر تاریخی کشور به پیش
گام بر میداشت، رشد کشور
زندان بود، همه گستره های
زنده گی از ریشه دگر گون
شده میرفت.

منافع و علائق طبقات، گروه
ها و اقشار اجتماعی گوناگون،
نیاز و خواسته های زمان، سنن
تاریخی و فشار وظایف مبرم،
همچنان محاصره خدمت آمیز
سرمایه داری، مبارزه ایدئو -
لوژیک حل ناشدنی، بار و بار
ها و روندهای اقتصادی در
عرصه سیاسی و همه عرصه
های زنده گی مردم درهم آمیخت.
بطور خلاصه خیلی دشوار بود
در همچو شرایط پیچیده و تو -
فانی مسیر درست را از نادرست
تشخیص کرد. ماهیت مبارزه
ایدئولوژیک آن زمان به پیما نه
قابل توجهی را قیامت های فردی
در رهبری حزب پیچیده تر شد
بود. اختلافات گذشته از زمان
حیات لنین هم در شرایط تازه
به شکل خیلی جدی تر چهره
خود را نمایان ساخت. همانگونه
که میدانیم لنین این خطر را
هشدار داده بود. لنین در نامه
اش عنوانی کنکره تأکید کرده
بود که آیا این یک جزء
نیست و یا جزئی
است که اهمیت قاطعی بخود
خواهد گرفت. و آنچه که پیش
آمد تا اندازه زیادی همینطور
بود.

صحت خرده برداری شماری
از رهبران با نفوذ دست بلند
یافت. این صحت ها حالت
فته انگیزانه بخود گرفت. این
حالت سازمان های حزبی را در
برگرفت و آنها را از کار های
حیاتی باز داشت و در کار آنها
دخیل شد.

رهبران صاحب ادعا بر -
خلاف موضع اکثریت در حزب
که فکر میکردند نظرات این
رهبران با اندیشه ها و پلان
های لنین مخالف است و پیشنهاد
های شان خطا کارانه است و
کشور را از مسیر درست باز
کشاند، انشباع را تحریک
کردند.

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

تروتسکی و هوا دارا نش
امکان ساختمان سوسیالیسم
شرایط محاصره سر مایه داری

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

تروتسکی و هوا دارا نش
امکان ساختمان سوسیالیسم
شرایط محاصره سر مایه داری

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

رانی میکردند. در سیاست
خارجی آنها او لیت را به
مسور و انقلاب و در
سیاست داخلی
تحکیم بیج و مهره های روی
دهقانان، به استثمار شهرزده
و در کار اداره کشور به شیوه
های تحکیم آمیز اداری و نظامی
قابل بودند.

تروتسکیزم جریان سیاسی
می بود که ایدئولوژی های آن
خود را در پشت لفاظی های
چهره انقلابی ما پنهان می
کردند که سر انجام محکوم به
شکست شد. این جریان
حمله می بود بر لنینیسم و عملاً
موضوع آیدئو سوسیالیسم
و سر نوشت انقلاب در کشور
ما در میان بود.

در چنین شرایط ضرورت
بود تا تروتسکیزم به همه
آنها نیان غیر اصولی معرفی
شده و خاصیت ضد سوسیالیسم
سیالیستی آن آشکار گردد.
شرایط نظر به اینکه پیر و ان
تروتسکی یک جبهه مخالف
را تحت رهبری گریگوری
زینوویف و لیت کا مینیف به
پیش می بردند.

ازینکه رهبران این جنبش
خود را در اقلیت می دیدند
می خواستند در صفوف
رهبری حزب خدشه وارد کنند
و درین جهت بی نهایت
تلاش هم کردند اما تلاش های
شان بجایی نرسیده و بالاخره
تا بود شدند. بصورت خلاصه
هسته رهبری حزب به سر کرده گی
جوزیف ستالین در یک مبارزه
ایدئولوژیک حزب را نجات
داد، موفق و تکنیک های
حزب که برای اکثر اعضای
حزب و کارگران قابل قبول
و تأیید بود تثبیت گردید.

در شکست و نابودی
تروتسکی، نیکولای بوخارین
فلیکس دیرو تسکی، سرگی
کیروف، گریگوری اوردجون
کیدز، جان روزهو تاک و
دیگران نقش بازی کردند.
در رانچر دهه بیست یک
مخالفت جدی در مورد اینکه
امور دهقانی چگونگی در جهت
سوسیالیسمی قرار بگیرد
قابل توجهی را قیامت های فردی
در رهبری حزب پیچیده تر شد
بود. اختلافات گذشته از زمان
حیات لنین هم در شرایط تازه
به شکل خیلی جدی تر چهره
خود را نمایان ساخت. همانگونه
که میدانیم لنین این خطر را
هشدار داده بود. لنین در نامه
اش عنوانی کنکره تأکید کرده
بود که آیا این یک جزء
نیست و یا جزئی
است که اهمیت قاطعی بخود
خواهد گرفت. و آنچه که پیش
آمد تا اندازه زیادی همینطور
بود.

صحت خرده برداری شماری
از رهبران با نفوذ دست بلند
یافت. این صحت ها حالت
فته انگیزانه بخود گرفت. این
حالت سازمان های حزبی را در
برگرفت و آنها را از کار های
حیاتی باز داشت و در کار آنها
دخیل شد.

رهبران صاحب ادعا بر -
خلاف موضع اکثریت در حزب
که فکر میکردند نظرات این
رهبران با اندیشه ها و پلان
های لنین مخالف است و پیشنهاد
های شان خطا کارانه است و
کشور را از مسیر درست باز
کشاند، انشباع را تحریک
کردند.

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

تروتسکی و هوا دارا نش
امکان ساختمان سوسیالیسم
شرایط محاصره سر مایه داری

این امر بیش از دیگران در
مورد لنین تروتسکی صدق می
کند که پس از در گذشت لنین
مدتی کسب مقام عالی رهبری
حزب شد و این گفته لنین در
مورد او کاملاً تصدیق شد که
گفته بود: تروتسکی سیما
ستمدار است. سخت از خود
راضی که همیشه در حالت نو
سان قرار دارد و همیشه گول
می خورد.

تروتسکی و هوا دارا نش
امکان ساختمان سوسیالیسم
شرایط محاصره سر مایه داری

اکتوبر و بازسازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیه رفیق م. س. گرباچف

(بقیه ص ۳)

طوری که مشخص می نماید بحث های سیاسی آن زمان پروسه دشواری را در رشت حزب باز تاب میداد که توسط مبارزه شد بد بخاطر مسایل تعیین کننده اعمار سو سیالیزم مشخص میگردد.

در آن مبارزه که با نیست تحمل میگردد، مفا همی صنعتی ساختن و جمعی ساختن شکل گرفت. تحت رهبری حزب و کمیته مرکزی آن، صنایع قلیله به شمول انجیری، صنایع دفاعی و صنایع کیمیاوی که در زمان خود بی نظیر بود در زمان کوتاهی اعمار گردیده و پلان برقی ساختن عمومی به اکیال رسید. این دستاورد ها با کارخانجات فولاد مکتوب گورسک، مصادن ذغال کوز نسلک، ایستگاه برق آبی دنیپر، کارخانجات انجیری قلیله اورال، مجتمع خبیتی، کارخانجات تراکتور سازی مسکو و گودکی، بر خسی قاپریکه های طیاره سازی، کارخانجات تراکتور سازی ستالینگراد، چیلیا بنسک و خار کوف، کارخانجات تولید ماشینهای زراعتی رستوف، شهر کسول در کرانه آمور، خط آهن تورکسپ، کانال بزرگ فرغانه و بسیاری از سایر پروژه های عظیم پلانی با بنسج اولی ما متیار میگردد. تعداد زیاد انستیتوت های تحقیقاتی و مجموعه تا سیسات تحصیلات عالی در آن روز ها به ی گزاری شد.

حزب مبتود صنعتی ساختن را که تا آنروز نا شناخته بود تدوین کرد: آغاز اعمار صنایع قلیله به یک باره گی، بدون تکیه بر منابع مالی خارجی و بدون سبب انتظار برای تراکم سرمایه از طریق توسعه صنایع خفیفه با وجود آنکه برای کشور و مردم به طور باور نکردنی دشوار بود این یگانها راه ممکن در آن شرایط بوده این گام نوس آورانه گی بود که در آنشور انقلاب بی توده ها به مثابه جزئی از رشد اقتصادی در نظر گرفته شده بود.

صنعتی ساختن کشور را با یک خیز به سطح بنیاد انوینی ارتقاء داد.

در پایان سال های سی، اتحاد شوروی از لحاظ تولید صنعتی در اروپا در مقام اول و در جهان در مقام دوم قرار گرفته به یک قدرت واقعاً بزرگ صنعتی مبدل گردید. این بهره گیری بزرگ اهمیت دوران ساز ازاره بهره گیری ازاره آزاد شده، بهره گیری از حزب بلشویک بود.

با نگاه تیز بین به تاریخ بسا در نظر داشت و ا قیعت های نا گوار دا خلوی بین المللی، سوا لی مطر ح میشد که آباد آن شرایط راه دیگری غیر از آنچه حزب صلاح مید به ممکن بود؟ اگر ما آرزو مندیم تا به تاریخ و حقیقت زنده گی و فاداریانیم فقط یک پاسخ میتوان ارا کرد: نه، راه دیگری وجود نداشت.

در آن شرایط، در موجودیت تجاوز آشکارا فیرا لیستی، حزب به طور فزاینده یی این ضرورت که در امتداد فاصله از پتک و قلیله چوبی تا صنایع پیشرفته به کو تا هنرین وقت ممکن یوریش برد معتقد گردید. یوریش آنکه بسا و ن این امر داعیه انقلاب به طور اجتناب ناپذیری تحریک میگردد.

ضرورت حیاتی پلان های حزب - درك شده و پذیرفته شده توسط توده ها و شعار ها و اهدافی که روح انقلاب اکتوبر را تجسم میداد در شور حیرت آوری که توسط میلیون ها مردم شوروی که به اعمار صنعتی کشور پیوسته بودند، ابراز میگردد. در دشوار ترین شرایط، با علم موجودیت تخنیک، بسا جیره نیمه گرسنگی، مردم معجزه آفرینند. آنان ازین واقعیت که در یک دا عیبه عظیم تاریخی دست دارند الهام میگردند. گرچه آنان به قدر کافی باسواد بودند، غریزه طبقاتی آنان به ایشان میگفت که در یک اقدام تعیین کننده بی سابقه سهم میگردند. از ما پیروی خواهند کرد تا استفاده یی را که از پلان و نیاکان ما به عمل آمده بود به خاطر بیاوریم.

هر یکی باید بداند که کار آنان و وقت آن خود گذراندن آنان عبت نبود.

آنان هر چیزی را که نصیب شان شده بود تحمل کردند و سهم بزرگی را در تحکیم دستاورد های انقلاب اکتوبر، بی ریزی پای های نیرویی که آنها را قادر به حراست ما در وطن از خطر مرگ آور و حفظ سوسیالیزم برای آینده، برای همه ما، رفقا، میساخت. ادا نمودند. درود بر خاطره آنان!

در عین حال، دوران تحت بررسی برخی زیا نیا را نیز به همراه داشت. آنان دارای روحیه معینی بودند که بسا پیروزی هایی که هم اکنون بدان اشاره کردم رابطه داشت مردم به مورثیت عام مرکزیت جدی معتقد میگرددند، درین شیوه فرماندهی کوتا ترین و بهترین راه حل هر یک و همه پرابلمها نهفته بود.

این امر بر سلوک در برابر مردم، در برابر شرایط زندگی آنان تاثیر وارد نمود. سیستم رهبری فرماندهی اداری حزب و حکومت در کشور به طور رسیده، ونوار سرخ پا وجود آنکه لیسن در زمانش از خطر ان خیرداری داده بود، نیرو مند گردید. و مطابق آن ساز ختار اداری و پلان گذاری آغاز به شکل گیری نمود.

در عرصه صنعت، با در نظر داشت بیما نه گونی آن، هنگامی که تمام اجزای عمده بنای صنعتی، بر جسته و آشکار بود، چنین شیوه ها، چنین سیستم اداره بصورت کل نتایج به بار می آورد. مبدل، مرکزیت و سیستم اداره یی یکسان جدی برای حل مسایل دو باره سازی زنده گی روستا یی غیر مجاز بود.

اشکارا با ید گفته شود: در مرحله جدید در مو ضعیگری با ملا حظه لیستی به نفع توده های دهقان کسری وجود داشت. مبدت از همه این حقیقت که دهقانان بشا به یک طبقه ملی سالی پسی از انقلاب اساساً تغییر یافته بود کمتر اهمیت داده میشد.

دهقان متوسط، شخصیت اساسی بود وی خود را بیعت کشاورز زمینیه که از انقلاب بدست آورده بود می پنداشت و ملی یک دهه کامل، متقاعد شده بود که حکومت شوروی حکومت وی نیز بود. وی به متحد می بوی به طبقه کارگر متحمس که بر بنیاد های جدید و با این اعتقاد که زنده گی وی بطور

پیوسته بهبود می یابد، مبدل شده بود.

هر گاه ارزیابی بیشتری از قوانین عینی اقتصادی وجود میداشت و هر گاه توجه بیشتری به پروسه های اجتماعی که در قریه اتفاق می افتاد معطوف می گردید، و هر گاه بطور مجموع مو ضعیگری به طبقه وسیع دهقان ی که اکثریت شان در انقلاب سهم داشتند و ازان در مقابل گارد سفید ونیروی تجاوز دفاع کردند، از لحاظ سیاسی بیشتر عادلانه می بود، هر گاه مشی پیگیری برای تقویت اتحاد با دهقانان متوسط در مقابل کولاک، سرمایه دار روستایی وجود میداشت، در آنصورت همه زیاده روی هایی که در انجام کو لکتیسی ساختن به قور پیوست وجود نمیداشتند. این مطلب امروز آشکار است که: در یک ما مورث عظیم، که بر سرنوشت اکثریت نفوس کشور اثر گذاشت، از سیاست لیستی در قبال مساله دهقان نی دوری گزینی صورت گرفت.

این مهترین و مطلق ترین پروسه اجتماعی، پروسه های کار بزرگی در آن به شرایط محلی مربوط بود، یو سیله مبتود های اداری قلیا مسلط رهبری گردید. چنین اعتقادی یو جود آمد که همه مسایل با یک چشم بر هم زدن میتوانند حل گردند. تمام مناطق و قسمت های کشور به این رقابت که کدام یک به سرعت پیشتر به کو لکتیسی شدن کامل دست خواهند یافت، آغاز کردند. فیصدی های دلخواه از بالا ارا نه گردیدند، نخطی های صریح از اصول کو لکتیسی شدن در هر جا صورت گرفت. از زیاده روی و انفراس در مبارزه علیه کولاک ها اجتناب بعمل نیامد. اساساً سیاست درست مبارزه با کولاک ها غالباً آنچنان وسیع تعبیر گردید که در میان بخش قابل ملا حظه از دهقانان متوسط نیز پخش گردید. واقعیت تاریخ چنین است.

اما، رفقا، هر گاه اهمیت کو لکتیسی شدن را بصورت کل در امر تحکیم سو سیالیزم در اطراف کشور ارزیابی نایم، در تحلیل نهایی عبارت بود از تغییر اهمیت بنیادی.

یو لکتیسی ساختن تغییر بنیادی این را در تمام شیوه زنده گی بخش مهم نفوس کشور بوجود آورد. بنیاد اجتماعی را برای مد ریزه کردن سکوت کشاورزی و حقوق دادن مجدد آن بر اساس شیوه های پیشرفته تکنیک های کشاورزی را یو جود آورد ارتقای با زده گی کار را یو جوب گردید، و یک بخش اساسی قوای بشری را که عرصه های دیگر اعمار سو سیالیزمی به نیاز داشت به آن عرصه ها واگذار شد. همه این ها تا ثیرات تاریخی ایرا دارا بودند.

برای درك وضع این سالها با ید به خاطر داشت که سیستم اداره که در پروسه صنعتی سازی به شکل گیری آغاز کرد و در دوران کو لکتیسی ساختن محر که جدید یافت بر تمام زنده گی اجتماعی - سیاسی کشور مسلط ساخته شد، وقتی این سیستم بر اقتصاد مسلط گردید به روبرائی آن نفوذ حاصل کرد، انکشاف نیروی دموکراتیک سو سیالیزم

را در محدودیت قرار داد و ترقی دموکراسی سو سیالیزمی را به کندی رو برو ساخت. اما آنچه گفته شد از بیما نه اعلان آن زمان تصور کامل بدست نمیداد. آنچه اتفاق های دشوار و سنگین اید یو لویک - سیاسی برای حزب در واقع سیرری شده بود ملیو نیا مردم با دلچسپی به کار پیاده ساختن تغییرات سو سیالیزمی پیوسته بودند. نخستین پیروزیها بلا حظه میرسید.

هنوز هم در آن زمان، میتود هایی که در زمان مبارزه با مقاومت خصمانه طبقات استثمارگر دیکته میشد، بطور میکانیک به دوران اعمار صلح آمیز سو سیالیزمی، زمانی که شرایط از بنیادی تغییر یافته بود انتقال داده میشد. فضای از بسی حوصله گی، دشمنی وسوء ظن در کشور یو جود آمده بود. با گذشت زمان میزان این ترین سیاسی فزونی گرفته و از آن با فرضیه اشتباه آمیز تشدید مبارزه طبقاتی در جریان ساختمان سو سیالیزمی حمایت بعمل میامد. وسم آن بر انکشاف اجتماعی - اقتصادی کشور تا ثیر نا گوار ی داشته، نتایج نا گوار ی بیار آورد.

به گونه ای آشکار نبود سطح مناسب دیموکراتیزه سازی در جامعه شوروی بود که کیش شخصیت، نقض قانون، اقدامات لایقانه و یواز دانه سا لهای سسی را شدت بخشید.

من مسایل را بی برده می گویم. جنا یاتی که انجام می گرفت از سوء استفاده از قدرت نشات میکرد. هزاران نفر مناز میگردد. در داخل و خارج حزب با اقدامات بازدارنده دسته جمعی موا جبه میگردیدند. رفقا، چنین است حقیقت تلخ. صدمه بزرگی به امر سو سیالیزم و اعتبار حزب رسیده و ما با ید این را بی برده اظهار بداریم. این لازم است. ایدئال سو سیالیزم لینن را یک بار و برای همیشه تانید نمود.

اکنون بحث زیادی بیا مون نقش ستالین در تاریخ ما با لاسست، وی شخصیتی بود خیلی غده و قیظی. اگر قرار باشد به حقیقت تاریخی وفا دار بسا نیسم، بر ما ست که هم سبکیری بلا منازعا نه ستالین را در مبارزه برای سو سیالیزم و دفاع از منافع آن، و هم اشتباهات کلی سیاسی و سوء استفاده های خودش و اطرافیان را که مردم ما به یی سنگینی برا ییوش پرداخته و عواقب نا گوار ی برای زنده گی جامعه ما داشته در نظر گیریم.

گاهی اوقات میگویند ستالین از بسیاری از اعمال خلاف قانون آگاهی نداشت. از اسنادی که بدست داریم بر میاید که این درست نیست. گناه ستالین و نزدیکان او در برابر حزب و مردم بخاطر اعمال فشار دسته جمعی و اعمال خلاف قانون خیلی بزرگ و غیر قابل بخشایش است. این درسی است برای همه نسل ها.

بر خلاف ادعای مخالفین اید یالوژیک، کیش شخصیت ستالین اجتناب ناپذیر نبود. این چیز برای فطرت سو سیالیزم بیگانه است این چیز یک جدایی از

پر نیسپ های نهادی. نسا ینده گی میکرد و بنا بر آن دلیلی برایش وجود ندارد. در کنگره های بیستم و بیست و دوم حزب شدیدا خود کیش و عواقب آن را قبیح کرد. ما میدانیم که اتهام های سیاسی و اقدامات سرگولانه علیه شمار از رهبران حزبی و دولتی، علیه کومنیست ها و مردم غیر حزبی، علیه روسای اقتصادی و مردان نظامی، علیه دانشمندان و شخصیت های فرهنگی نتیجه ای از یک تحریف عمدی بود بعد ها بویژه پس از کنگره بیستم حزبی، پس از اتهامات پس گرفته شد، هزاران تن از قربانیان بیگناه یکل تیر نه گردیدند. اما روند اعاده عدالت به آخر رسانیده نشد و در واقع هنگام جلسه عمومی اکتوبر ۱۹۸۷ کمیته مرکزی ملتوی گشته شد. بر ما ست که بدان باز گردیم.

پیروسی سیاسی کمیته مرکزی کمیسیون را برای جستجوی جامع حقایق و اسناد تازه در باره این موضوعات و موا جبهاتی که قلیا معلوم بود توطیف گردانیده است. بر روی نتایج کار کمیسیون تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد.

همه این در کتاب بیامون تاریخ حزب کومنیست اتحاد شوروی، که تهیه آن به عهده کمیسیون خاصی از کمیته مرکزی گذارده میشد، انعکاس خواهد یافت. این چیزی که انجام آن بر دوش ما ست، بیشتر بخاطر آنکه هنوز هم کوشش هایی انجام میگردد تا از مسایل درد آلود تاریخ راوی نگردانیم، تا سرو صدای آن را خاموش سازیم تا این عقیده را یو جود بیاوریم که چیز خصوصی یو قور نه پیوسته است.

ما به این توافق نداریم. این کار به مثابه بی اعتنایی به حقیقت تاریخی خواهد بود و بی احترامی به خاطر آنها یی که قربانیان بیگناه اعمال مستبدانه یقینا نو نی بودند. دلیل دیگر برای عدم توافقی ما با این عبارت است از اینکه تحلیل صادقانه با ید ما را در حل پروبلم های دموکراتیزه ساختن قانونیت، علینیت، غلبه بر بیروکراسی و خلاصه پروبلم های با اهمیت بازسازی سازمانده یجدد یاری رساند. این جا ست که ما حالا نیز یو ید یو رضا حستیم. پیگیری بر خور دار با شیم. درك شریفانه دستاورد های عظیم، و همچنان به شکومی های گذشته، تحلیل کامل و درست یادی آن ها، رهنمود های واقعی را برای آینده به دست خواهد داد.

با برسی سیاسی لهای بیست و سی پس ازین ما میتوانیم بگوئیم که به راه دشواری آفشته با تناقضات و اغلاط اما راه بسز رگرو قهر ما نانه را پیمو ده ایم. نا اشتیا هات صریح و نه هم دوری گزینی از اصول سو سیالیزم توانست مردم ماو کشور ما را از راهی که به انتخاب خود در سال ۱۹۱۷ برگزیدند بر گرداند. نیروی انقلاب اکتوبر بر خیل بزرگ بود! مفکوره های سو سیالیزم که توده ها را جنب کرده بود خیلی بزرگ بود!

در چنین شرایط نیز سوال کاملاً همان گونه بود که در زمان صلح برست بود و آن اینکه آیا کشور ما مستقل

می بردند. وطنپرستی آنان مفهوم جدید سو سیالیزمی را به خود گرفت و همه آن در پیرامون جنگ بزرگ میهنی ۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ با نیروی مندی بدست آمدند.

در غرب اکنون در مورد وضع در آستانه جنگ صحبت زیاد می شود. حقایق با آنچه نیمه حقیقت دارند اجازه می شود. این کار بخصوص بوسیله آنانی صورت میگیرد که از نتایج جنگ دوم جهانی، از لحاظ سیاسی، ارضی و اجتماعی، ناراضی اند و آنانی که در صدد اند این نتایج را بسا دسایین تعدیل نمایند. بدین علت آنها به معرفی وادرو نه واقعیت تاریخی، برهم و درهم کردن مناسبات علت معلول و جعل سازی کروئولوژی حوادث علاقمند اند.

درین ارتباط، آنها به هر نوع دروغ به خاطر ملا مت گردن اتحاد شوروی به خاطر اشتغال جنگ دوم جهانی، که راه آن بوسیله بکت عدم تجاوز ریبین تروپ، نمولوتوف هموار گردید، متوسل میگردد. این موضوع سزاوار است در مورد آن بنویس از آنجا بسا تفصیل بیشتر صحبت شود. در واقعیت امر به هیچوجه جنگ جهانی دوم صرفاً در اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ به یو قور واقعیت تراژیک مبدل نگردید. اشتغال شمال شرق چین ذریه جاپان (حادثه ۱۹۳۷) در سال های ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ حمله ایالتی بر ایوو پیا (۱۹۳۵) و بر البانیا (در بهار ۱۹۳۹)، تجاوز آلمان، ایتالیا علیه جمهوری هسپانیه (۱۹۳۶) - و اشتغال مسلحانه شمال و بعداً قسمت های مرکزی چین ذریه جاپان (تابستان ۱۹۳۷) این ها همه جرعه های اولی جنگ جهانی دوم بودند. این امر متعاقب است که در آروز ها غرب چنین وانمود میکند که این انکشافات به آنها منوط و یا کاملاً منوط نبود تا به دفاع از آزادی تجاوز دست یازند. تفرق قبال سو سیالیزم، طرح های طویل المدت و خود خواهی های طبقاتی از بررسی معقول خطرات موجود جلوگیری میکرد.

میکرانه به فاشیزم حتی ایفای ما مورث نیروی ضربتی در جنگ صلیبی ضد کومنیستی پیشنهاد میگردد. به تعقیب ایوو پیا و چین، اطریش و چکوسلوواکیا در کوره تسکین کشانیده شده و شمشیر بر فراز پولند و همه دول بالتیک و دانوب آویخته شده بود. تبلیغات به طور آشکار در جهت مبدل ساختن اوکراین بیک مزرعه گندم و فارم حیوانی رایش سوم برافه افتاد.

بالاخره، ایدئال سو سیالیزم علیه اتحاد شوروی کشانیده شد. اما از آنجا که نقشه تقسیم کشور سو سیالیزم قبل از جنگ طرح ریزی شده بود. بنه به آسانی به ملاحظه میرسد که حق انتخاب ما به چه اندازه محدود بود. گفته میشد که تصمیم اتحاد شوروی دایر بر انعقاد پیمان عدم تجاوز با آلمان بهترین تصمیم نبود، هنگامی چنین می بود که شخص نه ذریه واقعیت های سر سخت بلکه ذریه فرضیه های انتزاعی خارج از چوکات زمانی شان رهنمون گردد.

در چنین شرایط نیز سوال کاملاً همان گونه بود که در زمان صلح برست بود و آن اینکه آیا کشور ما مستقل

باشد یا خیر؟ آیا سوسیالیزم در روی زمین باشد یا خیر؟ اتحاد شو روی تلاش های عظیم به خرج داد تا یک سیستم امنیت دسته جمعی و اعمار نموده و از یک فاجعه جهانی جلوگیری کند مگر ابتکار شوروی در میان رهبران سیاسی و سیاستمداران غربی که خونسردهانه پلان داخل ساختن سوسیالیزم در شعله های آتش جنگ صورت میگیرد که از نتایج جنگ دوم جهانی، از لحاظ سیاسی، ارضی و اجتماعی، ناراضی اند و آنانی که در صدد اند این نتایج را بسا دسایین تعدیل نمایند. بدین علت آنها به معرفی وادرو نه واقعیت تاریخی، برهم و درهم کردن مناسبات علت معلول و جعل سازی کروئولوژی حوادث علاقمند اند.

درین ارتباط، آنها به هر نوع دروغ به خاطر ملا مت گردن اتحاد شوروی به خاطر اشتغال جنگ دوم جهانی، که راه آن بوسیله بکت عدم تجاوز ریبین تروپ، نمولوتوف هموار گردید، متوسل میگردد. این موضوع سزاوار است در مورد آن بنویس از آنجا بسا تفصیل بیشتر صحبت شود. در واقعیت امر به هیچوجه جنگ جهانی دوم صرفاً در اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ به یو قور واقعیت تراژیک مبدل نگردید. اشتغال شمال شرق چین ذریه جاپان (حادثه ۱۹۳۷) در سال های ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ حمله ایالتی بر ایوو پیا (۱۹۳۵) و بر البانیا (در بهار ۱۹۳۹)، تجاوز آلمان، ایتالیا علیه جمهوری هسپانیه (۱۹۳۶) - و اشتغال مسلحانه شمال و بعداً قسمت های مرکزی چین ذریه جاپان (تابستان ۱۹۳۷) این ها همه جرعه های اولی جنگ جهانی دوم بودند. این امر متعاقب است که در آروز ها غرب چنین وانمود میکند که این انکشافات به آنها منوط و یا کاملاً منوط نبود تا به دفاع از آزادی تجاوز دست یازند. تفرق قبال سو سیالیزم، طرح های طویل المدت و خود خواهی های طبقاتی از بررسی معقول خطرات موجود جلوگیری میکرد.

میکرانه به فاشیزم حتی ایفای ما مورث نیروی ضربتی در جنگ صلیبی ضد کومنیستی پیشنهاد میگردد. به تعقیب ایوو پیا و چین، اطریش و چکوسلوواکیا در کوره تسکین کشانیده شده و شمشیر بر فراز پولند و همه دول بالتیک و دانوب آویخته شده بود. تبلیغات به طور آشکار در جهت مبدل ساختن اوکراین بیک مزرعه گندم و فارم حیوانی رایش سوم برافه افتاد.

بالاخره، ایدئال سو سیالیزم علیه اتحاد شوروی کشانیده شد. اما از آنجا که نقشه تقسیم کشور سو سیالیزم قبل از جنگ طرح ریزی شده بود. بنه به آسانی به ملاحظه میرسد که حق انتخاب ما به چه اندازه محدود بود. گفته میشد که تصمیم اتحاد شوروی دایر بر انعقاد پیمان عدم تجاوز با آلمان بهترین تصمیم نبود، هنگامی چنین می بود که شخص نه ذریه واقعیت های سر سخت بلکه ذریه فرضیه های انتزاعی خارج از چوکات زمانی شان رهنمون گردد.

در چنین شرایط نیز سوال کاملاً همان گونه بود که در زمان صلح برست بود و آن اینکه آیا کشور ما مستقل

مواجهه شده بود که در غرب جرمنی و در شرق جاپان که یک جنگ سنگین را در خالفین گول) آغاز نموده بود در مقابل اتحاد شوروی قرار گرفته بودند.

مگر زنده گی و مرگ در محور های واقعی خود قرار گرفت و یک فصل نوین در تاریخ معاصر آغاز گشت که بسیار غم انگیز و پیچیده بود و حتی درین مرحله ما با دشمن مقابل کردیم که برای خود و طرف مقابل خود فقط یک چانس را گذاشته بود و آن یا پیروزی یا مرگ.

تجاوز یکه ما به آن موا جبه بودیم یک آزمایش دشوار برای بقای سیستم سو سیالیزمی ما، قدرت چند یسن ملیتی دو لت شوروی ما و از روحیه وطن پرستی مردان و زنان شوروی بود. ما ایمن آزمایش را با آتش و شمشیر موفقاً نه سیری نمودیم. رفقا! آنرا سیری نمودیم به خاطر اینکه این جنگ بسرائی مردم ما به یک جنگ کبیر میهنی و وطنپرستی، مبدل شده بود و برای اینکه در مقابل با چنین یک دشمن همچو فاشیزم جرمنی سوال صرف بالای زنده گی یامرگ و بالای آزادی یا غلامی بود.

ما در جنگ پیروز شدیم به خاطر اینکه این جنگ برای ما به یک جنگ تمام مردم تبدیل شده بود همه مردم برای دفاع از میهن شان در راه، سپنج شده بودند، جوانان، کهنسالان، مردان و زنان همه ملیت ها و ملل کشور بزرگ ما دور هم جمع شده بودند. نسلی که در دوران انقلاب اکتوبر تولد شده و با سیستم سو سیالیزمی بزرگ شده بودند به نخستین هدف شان نایل شده شد.

شهادت و قربانی های بی سابقه در میدان جنگ، مبارزه دلیرانه توسط پارتیزان ها و مقاومت مخفی در آن طرف خطوط دشمن و کار خستگی ناپذیر (۲۴) ساعته آنها همه و همه عواملی بود که جنگ را به نفع ما تمام کرد.

مردان و زنان اتحاد شوروی جهت دفاع از کشور شان از سیستم سو سیالیزمی و همچنان دفاع از آینده ها و داعیه انقلاب کبیر بر کار و پیکار نموده اند.

زمانیکه این آنت به وطن مشترک ما فرا رسید، مردم اتحاد شوروی نه شان نه خالی گردنونه تزلزل را به خود راه دادند، خواه تحت مصیبت شکست ها و عقب نشینی های اولیه یا تحت تیر میونها مرگ و هلاکت، رنج و عذاب. از همان روز اول جنگ، آنها به پیروزی آینده عقیده راسخ داشتند، سر بازان و کارگران همه آنچه را که در حدود توان انسانی فرا تر از این و ز پیروز و زی را که انتظار آن میرفت، نزدیک سازند.

وقتی درك هزار و هجدهمین روز جنگ، پیروزی فرارسید تمام جهان از بند رسته نفس را حت کشیده به مردم فاتح، قهرمان و زحمتکش اتحاد شوروی و همچنان به عقد یک پیمان عدم تجاوز کهما آنرا پیشنهاد نموده بودیم جلو گیری نموده و ما را از فرصت اتخاذ یک آماده گی بهتر برای حمله حتمی جرمنی هتاری بر اتحاد شوروی محروم سازند.

این امر همچنان فرا مش شده نچي توان که در اگست (۱۹۳۹) اتحاد شوروی با یک خطر واقعی جنگ از دو جناح

اکتوبر و مبارزات: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیه رفیق م. س. گرباچف

(بقیه صفحه چهارم)

به اوج رسیده. گورکس، ژوکوف، کستنا، نیتسن، روکو، سزفسکی، الکساندر، واسیلیفسکی، ایوان کالنیف، و سایر مارشالهای پر جسته، جنرال ها و افسران اتحاد شوروی کسانی اند که جبهه ها و اردو ها، قول اردو ها، فرقه ها، غندها و توتی ها و بلوک ها را سوق و اداره کردند. یک عامل بیرونی همانا اداره عالی سیاست، هدف فکری و پایداری، قابلیت سازماندهی و تحت دسیسین درآوردن مردم بوده است که در سالهای جنگ از طرف جوزف استالین ایفا گردید.

اما، ضربه و صدمه جنگ را سر با زان عادی اتحاد شوروی که خود را دلیرانه وقت کشور خود کرده بودند با گوشت و خون خود متحمل گردیدند. هر گونه افتخار و مباحثات جادوانی به آنها (کف زندان) ملیو نیا شرکت کنند. جنگ بزرگ میهنی اتحاد شوروی امروز در صفوف ما قرار داشته امروز در باز سازی انقلابی و در نوسازی جامعه ما فعلا نه سهم می گیرند.

سیاسی بی پایان ما به آنها (کف زندان) در عقب این همه مساعی ما در میدان جنگ و در ساحه کار روحیه پر تحرک حزب لنینی قرار داشت. در جبهه و در سنگر ها، کمونیست ها نخستین اشخاصی بودند که به حمله بر می خاستند. چنین مثال از جانب آن ها دیگران را در عقب الهام می بخشد که محلات کسار، مزرعه و فارم زراعتی خود را ترک نموده به جبهه بشتابند. مردان و زنان اتحاد شوروی بطور بیسابقه احساس مسئولیت کردند که حزب کمونیست، حزب خودشان است و کوه نیستند در شان نشان می دهند که در زمان نیکه شعله های آتش زبانه میکشد و هنگامیکه مساله زنده گی و مرگ در میان است، پیشتر مردم چه مفهوم دارد.

میتوان با اطمینان گفت: سال های جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی یکی از صفحات باشکوه و مملو از قهرمانی و رشادت حزب کمونیست اتحاد شوروی است. صفات نیکه در آن شجاعت و دلایری و خود گذری های عالی و ایثار ملیو نیا کمونیست درج است. این جنگ نشان داد که مردم اتحاد شوروی، حزب، و سیاست لیزم و انقلاب اکتوبر از هم جدا نیستند و با پذیر اند و هیچ نیرو در جهان نمیتواند این وحدت را درهم شکند. سو سیاست لیزم نه تنها صرفا بطور نیرومند پیچیده است و به پیروزی دست یازید، بلکه از نگاه اخلاقی و سیاسی نیرومند تر از این مخربرترین وحشتناک ترین جنگ بیرون آمده، اتو ریت و نفوذ خویش را بیش از پیش در جهان گسترش بخشید.

زمانیکه جنگ به پایان رسید، بدینسان در اقتصاد و خروج کشور ما را از اسیاست خارجی بر مدت طولانی پیش بینی نموده و تصور نمیشود که حد اقل نیم قرن ضرورت است تا ما بتوانیم بر بقایای ناشی از جنگ غلبه حاصل نماییم.

ولی در یک مدت فوق العاده کوتاه، مردم شوروی شهرها و قریه های جنگ زده را دوباره آباد و معمار و فنان یکساخته، تاسیسات، فارم های دولتی و کلکتیف، مکاتب، یو هنر و علوم و سسات فرهنگی را از میان خرابه های جنگ دوباره

احیا نمودند. این امر یکبار دیگر بازتاب دهنده نیروی عظیم دولت سوسیالیستی میباشد، یعنی اراده حزب که با درک منافع والای سر زمین انقلاب اکتوبر تحرک یافته بود، پایدار و هو شیاری پر انرژی کارگران که بار اساسی تحولات صلح آمیز در قدرت صنعتی و غلبه به خرابه های جنگ را بدوش کشیدند و قربانی، حوصله مندی و وطن پرستی دهقانان که همه چیز شانرا به خاطر تغذیه کشور خرابه احیا نمودند.

این امر همچنان بیا نگر دوستی و کمک متقابل مردمان، آماده گی شان فرض کارهای بنابه برادران غرض بصدل کمک به آنان که آسیب بیشتر را متحمل گردیده بودند و تسریع پروسه احیای آن مناطق ازاد مردمن مشترک مان که بطور بیرحمانه از جنگ صدمه دیده بودند.

قهرمانی فعالیت های روز مره در آن سال های دشوار پس از جنگ بود که منبع دستاورد ها بیشتر فت اقتصادی، علمی و تخنیک، مهار زدن انرژی اتمی بر تاپ او لین سفینه فضا می و رشد سطح زنده گی اقتصادی و فرهنگی مردمان را تشکیل میدهد. ولی درین زمان یعنی در زمان دستاورد های جدید مردمان تحت نام سوسیالیسم، تضاد بین آنچه جامعه بدان نایل آمده بود و شیوه های کنه رهبری بیش از پیش محسوس می گردید.

سوء استفاده از قدرت و تخطی قانینیت سوسیالیستی ادامه داشت. قضایای لنینگراد و داکتران سازمان داده شده بود. خلاصه، احترام واقعی به مردمان کا هشیافته بود.

مردم بطور باوقف کار و مطالعه نموده، دانش جدید را جستجو، دشواری ها و کمبود ها را متقبل میگرددند که ولی آنان احساس میکردند که خوف و رجا در جامعه رشد میبافت. اینها همه به زودی پس از مرگ استالین آگاهی عامه را فرا گرفت.

در اواسط سال های پنجاه بخصوص پس از بیستین کنگره حزب کمونیست، باده تغییر در کشور وزین گرفت. روحیه مردم ارتقا و آنان قوت قلب بیشتری یافته، بیش از پیش جستجو و تحقیق می کردند. این امر مستلزم جرئت فراوان حزب و رهبری آن در امر نیکوئی و خیر بود تا کیش شخصیت و هوای آنرا انتقاد و قانینیت سوسیالیستی را در دو باره احیا نمایند.

کلیشه سازی کهنه در سیاست داخلی و خارجی از هم پاشیدن گرفت. مساعی به خرج داده شد تا شیوه های بیرو کرانیک و آمرانه اداره را که در سال های سنی و چهل سان گرفته بود از هم گسسته، سوسیالیسم را بیش از پیش دینا میک و با تاکید بر ایده ها و ارزش های بشری روحیه خلا قانینیتیزم را در تئوری و پرا تیک احیا نمایند.

آزادی تغییر در ارجحیت های انکشاف اقتصادی و در نظر داشت انگیزه هادر رابطه به منافع شخصی در تنا یج کار، تصامیم جلسات مورخ دسامبر ۱۹۵۳ و جولای ۱۹۵۵ کمیته مرکزی حزب را برجسته توجه بیشتر به امر انکشاف و رشد زراعت، به طور جدی شکل گرفته و در

خانه سازی، صنایع سبک مواد استیلایک و هر آنچه مربوط بر آوردن احتیاجات بشری می گردید، میزول گردید. موجز آنکه، تغییرات در جهت بهبود هم در جا همه شوروی و هم در روابط بین المللی بوقوع پیوست. گرچه تعداد اشتباهات ذهنی گذشته ایکه از تکاپ یافته که رشد سوسیالیسم را به مرحله جدید ترمز و ابتکارات مترقی را بی اعتبار ساختند، به هیچ وجه کم نبود.

واقعیت منجر به ایجاد و خلق قبل از آن گردیدند. انحراف فات متعدد در عرصه های اجتماعی، معنوی و اخلاقی به وجود آمده که بر نسیب های عدالت سوسیالیستی را تحریف و مسخ نموده، اعتقاد مردم در قبال انسان خدشه دار و منجر به ایجاد از خود بیگانه گی اجتماعی و فساد اخلاقی در اشکال مختلف آن گردید. تباین فزاینده بین نسیب های والای سوسیالیسم و واقعیت های روز مره زنده گی غیر قابل تحمل می گردید.

و در جا همه به صورت کل بیش از پیش به نیازمندی برای غلبه بر پدیده های منفی، بر گشت جریان رویداد ها، تا مین نقشه یه انکشاف اجتماعی، اقتصادی و رفاهی و ایجاد تطبیق اخلاق و باز سازی سوسیالیسم میگرددند. در پاسخ به این نیازمندی های مردم اجتماعی بود که پلینوم ابریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی سترای تیسوی نقشه یه انکشاف اجتماعی اقتصادی کشور را که هدف آن باز سازی سوسیالیسم است طرح ریزی و رایه نمود. تصامیم کنگره بیست و هفتم حزب و پلینوم های بعدی کمیته مرکزی به آن ها فرموده که برای بهبود تیوریک و سیاسی بخشیده سیاست عمومی سازماندهی مجدد همه عرصه های زنده گی جامعه سوسیالیستی به آنها شکل نهایی داد.

مفکوره باز سازی تاریخ هفتاد ساله ما، بر بنیاد مستحکم نظم نوین اجتماعی که در اتحاد شوروی ایجاد گردیده، استوار است. این مفکوره تدوام و نو آوری، تجربه تاریخی بلشو یسم و سوسیالیسم را تواتم میسازد. این بر ماست تا داده یه پیشا متکان انقلاب و سوسیالیسم را ادامه و انجام دهیم. و ما مطمئن هستیم که به این امر بوسیله کار خود، استفاده خلاق از تجربه نسل ها، کراهه انقلاب اکتوبر را در مقابل تاریخ محدود و کهنه شده اند رانیز در برادر.

و فلکا ما راه انقلاب بسیرا دنبال می کنیم و این راه، راه ضعف و ترس نبوده، بلکه راه قدرت و دلیری است. و این همان چیزی است که مردم شوروی همواره در این راه، در این راه بزرگترین تفکیرات اجتماعی، و برای نیکوئی و خیر در سالیان کار سازنده صلح آمیز به آن مجبوز بوده اند. این مردم است که تاریخ خود را، سر نو شت خود را همانند زنده گی بشری به غیر قابل تقلید و کپی نیست، میسازند هنگامی است که ما در مورد تاریخ سوسیالیسم، در مورداده ها داعیه انقلاب کبیر صحبت می کنیم. این حقیقت صد بار بیشتر صدق میکند که طبقه کارگر نیروی اساسی و پیشا هنگ مردم بوده و اکنون نیز میباشند. حتی در آغاز جنبش انقلابی طبقه کارگر فراخوان لنین مبنی بر اینکه: «بدون فرا» موشی مفکوره سوسیالیسم حتی برای یک دقیقه، بدون توقف کار در راه تحقق آن بخاطر اكمال نیرو ها ی خود و برای سازمانده یی بخاطر نیل به سوسیالیسم برای آزادی بر زمین» را دنبال می کرد.

در این موارد تذکراتی که در سالیان اخیر حیات و فعالیت لیو نید بر ژنیف تلاش خاطر دریافت راههای انکشاف بیشتر با عادت گرفتن به فور مول ها و طرح های معمول که بیا نگر و ا قعیات جدید نبوده، به طور وسیع سد گردید. فاصله بین حرف و عمل افزایش یافته پروسه های منفی در اقتصاد به طور جدی شکل گرفته و در

با تمام زحمتکشان بود که انقلاب کبیر اکتوبر را به انجام رسانید، سوسیالیسم را اعمار نمود و در مقابل برخورد های وحشیانه با دشمن از آن دفاع کرد. این طبقه تلاش ورزید، رنج برد و در مقابل نا ملا یات استقامت نمود. امروز نیز، طبقه کارگر در پیشا پیش سوسیالیسم در حال انکشاف، باز سازی انقلابی و شوگرافی آن قرار دارد. افتخار بر او، افتخار بزرگ!

حزب لنینی، بمشابه پیشا هنگ رزنده و فعال طبقه کارگر ایجاد و رشد نمود. حزب اعتماد نیرو مند، پایداری، دسیسین و پیگیری در مبارزه برای ایده یال های سوسیالیسم درک عمیق و انسائی از زنده گی را از طبقه کارگر به دست آورد.

اکنون نیز، بمشابه حزب همه مردم، بهتر ین مشخصه های طبقه رزنده و سازنده را دارا میباشند. این حزب امروز در تمام مراحل تاریخ سوسیالیسم دارای چنین خصوصیات ی بوده است. این پیام اصولی و قطعی تاریخ ما در سراسر هفتاد سال است که مردم ما تحت رهبری حزب تحت نام سوسیالیسم، بخاطر زنده گی بهتر و عادلانه کار و زنده گی کرده اند. اینست سر نو شت مردم خلاق و سازنده، مسد. رفقا! ما به نتیجه گیری در مورد ضرورت عاجل باز سازی رسیده ایم. ما به هر پیمانگی که ما بر بوم های خود را عقیق ادراکی کرده و همانا را در می یابیم به مناسبت پیمان نه رو شتر می شود که باز سازی محتوی فرا خراج اجتماعی اقتصادی و تاریخی دارد.

بازی سازی نه تنها عبارت است از بین بردن توقف و سکون و محافظه کاری و دران گذشته و تصحیح اشتباهات انجام شده بلکه غلبه بر آن خصوصیات سازماندهی اجتماعی و روش کار که از لحاظ تاریخی محدود و کهنه شده اند رانیز در برادر.

باز سازی، مستلزم مرفی معاصر ترین اشکال، متنا سبب با شرایط و نیاز مندی های انقلاب علمی و تخنیک، به سوسیالیسم و رشد ذهنی جامعه شوروی می باشد. این پروسه نسبتا طولانی، باز سازی انقلابی با همه پروسه ایست که دارای منطقی و مراحل خود می باشد. لنین ما موریت تاریخی سوسیالیسم را در ضرورت آماده گی برای کار در طول سال های زیاده برای انتقال به کمونیسم می دید. رهبر انقلاب قانینیت مارکس و انگلس را در تجربه و تحلیل عمیق و همه جانبه و تعیین اینکه اشکال انتقالی مطابق با ویژگی های مشخص بر مورد بخصوص از چه مراحل عبور مینمایند را مورد تحسین قرار داده است. ما بهما هشدار داده اند که راه اعمار جامعه نو یسین حاوی یکر شته طولانی از گذشته ها است.

ما حق داریم باز سازی را بهجت مر حله معین تاریخی در حرکت جامعه ما به جلو بدانیم. و در پاسخ به این سوال لنین که «از کجابه کجابه میرویم، باید بطور کامل مشخص

گفته شود که ما به سوسیالیسم کیفیت جدی بدی می همیم. مرفی نماییم و یا طوریکه می گویند چرخ یگری بهمیم، و این مستلزم باز سازی ریشه یی تمام عرصه های زنده گی اجتماعی، اعم از مادی و معنوی، و انکشاف ما هیت بشری دوستانه سیستم ما تا کمتر ین حد نهایی آن می باشد.

هدف باز سازی عبارت از احیای مجدد درک کامل تیوریک و پرا تیک لنینی از سوسیالیسم است که اولویت بلامنازه عه در آن به انسان کارگر پایداری ها و منافع وی، به ارزشهای انسانی در اقتصاد در مناسبات اجتماعی و سیاسی و در فرهنگ تعلق دارد.

امید واری ما برای دستیابی به تطبیق انقلابی و باز سازی مستلزم توانمندی های بزرگ اجتماعی سوسیالیسم از طریق احیای خرد و فکتر بشری می باشد.

در نتیجه باز سازی، سوسیالیسم می تواند و باید از توانمندی های خود بمشابه سیستم واقعی انسانی در هدف انسان وارتقای آن استفاده کامل بعمل آورد. اینک کار جامعه برای مردم، توانمندی های خود بمشابه سیستم واقعی انسانی در هدف انسان وارتقای آن استفاده کامل بعمل آورد.

اینک کار جامعه برای مردم، توانمندی های خود بمشابه سیستم واقعی انسانی در هدف انسان وارتقای آن استفاده کامل بعمل آورد.

تعیین کننده سر نو شت باز سازی است. این مسایل مشتعل اند به دو کراتیزه کردن کلیه عرصه های زنده گی و رفیورم بنیادی اقتصادی و باز سازی با ادامه آنچه انقلاب اکتوبر بر آغاز کرد کار تعمیق و انکشاف هرچه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی را به جبهه مقدم کشانیده است.

دمو کرانیزه کردن جامعه در محراق باز سازی قرار داشته و پیشرفت آن تعیین کننده نه فقط پیروزی خود باز سازی بلکه... بدون مبالغه می توان گفت... که تعیین کننده آینده سوسیالیسم در مجموع نیز می باشد. این مطمئن ترین شان دگر گونی های سیاسی و اقتصادی بدون هیچ گونه تقریراتی که امر وزد ر کشور نو نما می گردد ممکن حاوی بزرگترین گامی باشد در جهت انکشاف دموکراسی سوسیالیستی که پس از انقلاب اکتوبر برزداشته شده است.

ضمن تجدید ساختار، نظام اقتصادی و سیاسی ما و طیفه ما مست یانسی از همه یک میکا نیز مطمئن و انعطاف پذیر را برای سیم گیری واقعی همه مردم در تصامیم بیرو مونی امور دولتی و اجتماعی ایجاد نماییم. در گام دوم به مردم باید علا آموخت که چگونگی در شرایط تعمیق دموکراسی زنده گی نمود، حقوق بشر را تو سعه و تحکیم بخشید، ویک کلتور سیاسی، عصری توده یی را پرورش نوری، به بیان دیگر دموکراسی را بیا موزانیم و بیا موزیم. زمانی که ما هفتاد و یک سالگرد انقلاب ما را تجلیل می کنیم و در مورد آینده می نماییم لازمست چگونگی پیشرفت پروسه دمو کرانیزه سازی جامعه و موانعی را که بر سر راه آن قرار میگردداز

نزدیک بررسی کنیم. دشواری ها و اختلا فات درین زمینه قابل ملاحظه و در برخی موارد غیر منتظره است. البته از تضاد میان نو، پیشرفته و کهنه و تاریخ زده نمی توان اجتناب ورزید. برخی ترددها و بی میلی ها به طور قطع وجود دارد. در نخستین روز های انقلاب اکتوبر لنین خاطیر نشان ساخت که کارگران و دهقانان هنوز قانینیت ندارند. هنوز به این امر متعقدنه شده اند که به خاطر آنها بود که کلیه اهرم های اداره را بدست گرفتیم، و لسی انقلاب اکتوبر نیرو مند زنده و شکستنا پذیر است. او نو شت: «زیرا اکتوبر این استعداد ها را، پیدار میسازد سد کهنه را از میان برمیدارد، زنجیر های کهنه را در هم می شکند و زحمتکشان را به سوی ایجاد خلاقانه یک بشری می باشد.

در نتیجه باز سازی، سوسیالیسم می تواند و باید از توانمندی های خود بمشابه سیستم واقعی انسانی در هدف انسان وارتقای آن استفاده کامل بعمل آورد.

اینک کار جامعه برای مردم، توانمندی های خود بمشابه سیستم واقعی انسانی در هدف انسان وارتقای آن استفاده کامل بعمل آورد.

تعیین کننده سر نو شت باز سازی است. این مسایل مشتعل اند به دو کراتیزه کردن کلیه عرصه های زنده گی و رفیورم بنیادی اقتصادی و باز سازی با ادامه آنچه انقلاب اکتوبر بر آغاز کرد کار تعمیق و انکشاف هرچه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی را به جبهه مقدم کشانیده است.

دمو کرانیزه کردن جامعه در محراق باز سازی قرار داشته و پیشرفت آن تعیین کننده نه فقط پیروزی خود باز سازی بلکه... بدون مبالغه می توان گفت... که تعیین کننده آینده سوسیالیسم در مجموع نیز می باشد. این مطمئن ترین شان دگر گونی های سیاسی و اقتصادی بدون هیچ گونه تقریراتی که امر وزد ر کشور نو نما می گردد ممکن حاوی بزرگترین گامی باشد در جهت انکشاف دموکراسی سوسیالیستی که پس از انقلاب اکتوبر برزداشته شده است.

ضمن تجدید ساختار، نظام اقتصادی و سیاسی ما و طیفه ما مست یانسی از همه یک میکا نیز مطمئن و انعطاف پذیر را برای سیم گیری واقعی همه مردم در تصامیم بیرو مونی امور دولتی و اجتماعی ایجاد نماییم. در گام دوم به مردم باید علا آموخت که چگونگی در شرایط تعمیق دموکراسی زنده گی نمود، حقوق بشر را تو سعه و تحکیم بخشید، ویک کلتور سیاسی، عصری توده یی را پرورش نوری، به بیان دیگر دموکراسی را بیا موزانیم و بیا موزیم. زمانی که ما هفتاد و یک سالگرد انقلاب ما را تجلیل می کنیم و در مورد آینده می نماییم لازمست چگونگی پیشرفت پروسه دمو کرانیزه سازی جامعه و موانعی را که بر سر راه آن قرار میگردداز

ضمن تجدید ساختار، نظام اقتصادی و سیاسی ما و طیفه ما مست یانسی از همه یک میکا نیز مطمئن و انعطاف پذیر را برای سیم گیری واقعی همه مردم در تصامیم بیرو مونی امور دولتی و اجتماعی ایجاد نماییم. در گام دوم به مردم باید علا آموخت که چگونگی در شرایط تعمیق دموکراسی زنده گی نمود، حقوق بشر را تو سعه و تحکیم بخشید، ویک کلتور سیاسی، عصری توده یی را پرورش نوری، به بیان دیگر دموکراسی را بیا موزانیم و بیا موزیم. زمانی که ما هفتاد و یک سالگرد انقلاب ما را تجلیل می کنیم و در مورد آینده می نماییم لازمست چگونگی پیشرفت پروسه دمو کرانیزه سازی جامعه و موانعی را که بر سر راه آن قرار میگردداز

لزام است تا فعالیت های

روزانه آنها با حل پروبلم های نهایت میرم مرتبط گردیده و منافع طیف وسیع مردم را بازتاب دهد.

هین اکتون مظهر نو و تقویت کننده ای مهم در کلتیف های کار و هم در سطح مناطق رها یی به چشم می رسد. ساحتی برای حل ابتکارات مفید برای حل کلیه برابلم های مری م، به موقع و بدون کاغذ پرانی ها هر چه فرا خسر می گردد.

پروسه جدیدی که در کشور ر شد کرده است ایجاب می نماید تا برخورد نوینی در برابر پرابلم های عمومی سیاسی قانونی، کلتوری در استفاده شایسته از دموکراسی سوسیالیستی صورت گیرد، کاستی ها درین عرصه سپهری خطا ها نظیر بوروکراسی، سوء استفاده از قدرت، رتبه پرستی شایعات و پس مسوولیتی ها می گردد. شیوه در ست استفاده از دمو کرانیزه سوسیالیستی هرگونه مظاهر حکم کردن ها ((تعمیل فشار)) بی نظمی و تمویض کار یا صرفه جویی میان تپی را نفی میکنند. مملکتی با سوسیالیسم بیگانه اند.

البته شکی نیست که به هر مملکتی که دمو کرانیزه سی عقیق تر و گسترده تر می گردد به همان پیمان، توجه به قانینیت سوسیالیستی و حاکمیت قانون بلند رفته و نیاز مندی ما به سازمانده یی و دسیسین آگاهانه افزایش می یابد. دمو کرانیزه عرصه سیاست منحصرا نه های مناسبات انسانی را دربر گیرد. ما بر آنیم که سوسیالیسم جامعه ایست که در سبب و مناسبات و فعالیت های مردم روز بروز متناقضتر می گردد. هر فرد تجربه اجتماعی منحصربه فسرده دارد، سطح تعلیمی و ذاتی معینی داشته و بهجت سان بر دشت ویژه ای و قانینیت میدهند دارد. از این رو طیف گسترده نظر یات، اعتقادات و قضاوت ها در کلیه سطوح و سیمها مقایسه را دارا میباشند.

ما طر قنار تنوع آراه عامه و غنای حیات معنوی بشتیبانی میکنیم. ما نباید ازین ترس داشته باشیم که پرابلم های انکشاف اجتماعی به طور علنی مطرح و حل و فصل گردند و همین سان از انتقاد و مباحثه نبا یزدیم داشته باشیم. زیرا در چنین شرایط است که حقیقت زاده میشود و تصامیم بخش بوده است.

انتخابات نشان داد که فعالیت سیاسی مردم مافرا تیش یافته و با علا قمنسندی افراد شایسته و مورد نظر خود را به انتخاب نمودند. هر چند که درین باره نیز برخی مظهر فورمالیزم و محافظه کاری به مشا هده رسید.

باز سازی و رشد دموکراسی زمینه را مساعد میسازد تا تمام نیرو و توانمندی های اتحادیه های صنعتی، ایک کونیستانان جوان، و سایر سازمان های اجتماعی بشمول آنها، بیکه در سال های اخیر قد بر افراشته اند نظیر سازمان های پیشگام جنگ و کسار اتحاد شوروی، شیورا های زنان و فوندلینن اطفال را بطور عظیمی به کار بست.

لزام است تا فعالیت های

روزانه آنها با حل پروبلم های نهایت میرم مرتبط گردیده و منافع طیف وسیع مردم را بازتاب دهد.

هین اکتون مظهر نو و تقویت کننده ای مهم در کلتیف های کار و هم در سطح مناطق رها یی به چشم می رسد. ساحتی برای حل ابتکارات مفید برای حل کلیه برابلم های مری م، به موقع و بدون کاغذ پرانی ها هر چه فرا خسر می گردد.

پروسه جدیدی که در کشور ر شد کرده است ایجاب می نماید تا برخورد نوینی در برابر پرابلم های عمومی سیاسی قانونی، کلتوری در استفاده شایسته از دموکراسی سوسیالیستی صورت گیرد، کاستی ها درین عرصه سپهری خطا ها نظیر بوروکراسی، سوء استفاده از قدرت، رتبه پرستی شایعات و پس مسوولیتی ها می گردد. شیوه در ست استفاده از دمو کرانیزه سوسیالیستی هرگونه مظاهر حکم کردن ها ((تعمیل فشار)) بی نظمی و تمویض کار یا صرفه جویی میان تپی را نفی میکنند. مملکتی با سوسیالیسم بیگانه اند.

البته شکی نیست که به هر مملکتی که دمو کرانیزه سی عقیق تر و گسترده تر می گردد به همان پیمان، توجه به قانینیت سوسیالیستی و حاکمیت قانون بلند رفته و نیاز مندی ما به سازمانده یی و دسیسین آگاهانه افزایش می یابد. دمو کرانیزه عرصه سیاست منحصرا نه های مناسبات انسانی را دربر گیرد. ما بر آنیم که سوسیالیسم جامعه ایست که در سبب و مناسبات و فعالیت های مردم روز بروز متناقضتر می گردد. هر فرد تجربه اجتماعی منحصربه فسرده دارد، سطح تعلیمی و ذاتی معینی داشته و بهجت سان بر دشت ویژه ای و قانینیت میدهند دارد. از این رو طیف گسترده نظر یات، اعتقادات و قضاوت ها در کلیه سطوح و سیمها مقایسه را دارا میباشند.

ما طر قنار تنوع آراه عامه و غنای حیات معنوی بشتیبانی میکنیم. ما نباید ازین ترس داشته باشیم که پرابلم های انکشاف اجتماعی به طور علنی مطرح و حل و فصل گردند و همین سان از انتقاد و مباحثه نبا یزدیم داشته باشیم. زیرا در چنین شرایط است که حقیقت زاده میشود و تصامیم بخش بوده است.

انتخابات نشان داد که فعالیت سیاسی مردم مافرا تیش یافته و با علا قمنسندی افراد شایسته و مورد نظر خود را به انتخاب نمودند. هر چند که درین باره نیز برخی مظهر فورمالیزم و محافظه کاری به مشا هده رسید.

باز سازی و رشد دموکراسی زمینه را مساعد میسازد تا تمام نیرو و توانمندی های اتحادیه های صنعتی، ایک کونیستانان جوان، و سایر سازمان های اجتماعی بشمول آنها، بیکه در سال های اخیر قد بر افراشته اند نظیر سازمان های پیشگام جنگ و کسار اتحاد شوروی، شیورا های زنان و فوندلینن اطفال را بطور عظیمی به کار بست.

لزام است تا فعالیت های

لزام است تا فعالیت های

فرانسه، ایتالیا، سوئد و
دیگر کشورهای سرمایه‌داری
شناسایی رسمی شانرا از
جمهوری شوروی اعلام کرده‌اند.
گام‌های نخست برای
برقراری مناسبات مساویانه
با کشورهای مشرق‌زمین،
یعنی چین، ترکیه، ایران و افغانستان
نستاد. براداشته شد.
به یقین که این نخستین
(ص ۷)

در اکتوبر ۱۹۱۷ ما با جهان
کهن وداع کردیم به یکبارگی
و برای همیشه . ما بسوی جهان
نودر حرکت هستیم . جهان
گمو نیزم ، ما ازین راه هرگز
بر نمی گردیم .